

حرف درشت

زیرخاکی ترین مردم دنیا!

● **پوریا عالمی:** طبق اخبار واصله، مسئولان، مدیران و زحمتکشان که داشتند شبانه‌روزی تلاش می‌کردند تا هوای پایتخت ایران از آلودگی نجات پیدا کند، خسته شدند و همگی با هم خواب ماندند و دیروز سر کار نرفتند، به همین دلیل هوای تهران خودبه‌خود خوب شد.مردم از مسئولان تقاضا کردند اگر می‌شود چند روز سر کار برندگردد. همچنین حالا که یک ساعت مسئولان هوایی دیر رفتند سر کار و هوا خوب شد، پیشنهاد می‌کنیم مسئولان و مدیران اقتصادی کشور هم که هر کاری می‌کنند دلار پایین نمی‌کشد، کرکره را بکشند پایین و بروند تعطیلات تا قیمت دلار بیاید پایین.همین الگو را برای باقی مشکلات مملکت پیشنهاد می‌کنیم.اما واقعا اگر مسئولان بروند مرخصی، همه‌چیز حل است؟ مسئله اصلی این است که چون نگهداری حیوانات خانگی مثل سگ و گربه و آوردن آنها در خیابان ممنوع است، مردم تهران جای سگ و گربه، ماشین نگه می‌دارند و ماشینشان را می‌آورند بیرون دور می‌زنند، حق هم دارند. درواقع به‌ازای هر تهرانی دوتا ماشین وجود دارد؛ یکی زوج، یکی فرد. اگر دولت اعلام کند آوردن حیوان خانگی به پارک و خیابان ممنوع نیست، نصف ترافیک تهران حل می‌شود.از ما می‌پرسند هوای خوزستان چی؟ ما معتقدیم خوزستانی‌ها واقعا وضعیتان از باقی شهرها و تهران بهتر است. چرا؟ ببینید الان خوزستان و غرب ایران را طوری خاک و گردوغبار برداشته که عملا خوزستانی‌ها زیرخاکی محسوب می‌شوند. در نتیجه سازمان میراث فرهنگی باید بشود مسئول مردم خوزستان. آن‌وقت زیرخاکی‌ها می‌توانند بروند خارج عشق‌وحال و بعد تازه آن‌موقع است که قدر مسئولان مملکت را می‌دانند. واقعا اگر چنین سیاست‌های کلانی نبود و مردم غرب ایران زیرخاکی نمی‌شدند، آینده آنان این‌قدر روشن بود؟ خود تهرانی‌ها با تجمع جلوی سازمان محیط زیست درخواست کردند اگر می‌شود مسئولان یک کاری کنند که تهران هم مثل خوزستان نشود که آینده آنها هم روشن شود.یکی از مسئولان در پیامی به مردم گفت: ایرانی‌ها خاکی‌ترین مردم جهان هستند، اما خوزستانی‌ها بیشتر.همچنین چند مقام مسئول که در جاهای خوش‌آب‌وهوا بودند، به صورت آنلاین و زنده، جلوی دوربین یک مشت خاک ریختند روی سرشان و گفتند ما با شما ابراز همدردی می‌کنیم. این عزیزان بعد از عملیات خاک‌برداری، سریع برای مداوا به خارج رفتند که یک‌موقع خاک توی چشمشان نرفته باشد. پایان.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۶ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ ۱۵ فوریه ۲۰۱۸
سال یازدهم « شماره ۳۰۸۷ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۸:۰۴ اذان صبح فردا ۵:۲۶ طلوع آفتاب ۶:۵۰

روزنامه‌فرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد

غلظت گرد و خاک در اهواز به بیش از ۵۷ برابر حد مجاز رسید



سلام به فردا

سانچی، زلزله؛ علت‌ها فراموش نشود

شرایطی طبیعی است که کم‌کاری، پرداختن به چند شغل و در نتیجه کم‌کاری در همه آنها یا دزدی بیش بیاید. هرکسی ناچار به نوعی تخلف می‌شود، راننده به بهانه گران‌شدن بنزین کرایه خود را به دلخواه بالا می‌برد و در عمل کسی نمی‌تواند با او برخورد کند. فروشنده هر قیمتی را روی کالا می‌گذارد و شما هم چاره‌ای جز خرید آن ندارید. وقتی دولت باعث گرانی ۲۵درصدی می‌شود و درعوض، حقوق‌ها را ۸ تا ۱۰ درصد افزایش می‌دهد، هیچ‌کس از او بازخواست نمی‌کند. دلار گران می‌شود و به چهارهزارو ۸۰۰ تومان می‌رسد و سخنگوی دولت در تلویزیون وعده می‌دهد اگر مردم دلار نخرند، گران‌تر نمی‌شود. این در حالی است که دلاری که در بازار فروخته می‌شود، در نهایت همان دلاری است که دولت می‌فروشد. هیچ‌کس با آسیب به دنیا نمی‌آید؛ آسیب‌ها را سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی به وجود می‌آورند. وقتی یک آسیب به وجود آمد، آسیب بعدی و آسیب‌های بعدی را به وجود می‌آورد. تا زمانی که به آنها رسیدگی نکنیم، هر آسیبی منشأ چند آسیب دیگر خواهد شد.

•رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران

آکادمی

زندگی ما و رنج‌های ناآگاهی از خودآگاهی!

وحید شامخی*

در یادداشت «قدرت بیشتر، مانعی بر شناخت بهتر خود!» مقرر شد دو مورد از سه دستاورد تحقیقات و مطالعات خانم «تاشا اورپج» که در آن یادداشت اشاره نشده بود، در یادداشت بعدی طرح شود. گفته شد که چقدر مبحث خودآگاهی و شناخت از خود، در دنیای مدیریت امروز دغدغه‌ای جدی محسوب می‌شود و ضعف در آن، چه اثرات مخربی در رفتار ما انسان‌ها و مدیران به‌وجود می‌آورد. اشاره شد که نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد از عجیب‌ترین اثرات مخرب نداشتن خودآگاهی و شناخت کافی از خود، دروغ‌گویی و کلاهبرداری است! نتایج تحقیقات ۱۵ ساله خانم اورپج نشان می‌داد که فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد آدم‌ها خود را تا حد مقبولی می‌شناسند و مابقی تصور می‌کنند که خود را می‌شناسند! اولین مورد از سه دستاورد تیم خانم اورپج این بود که تجربه و قدرت هر دو، مانعی بر خودآگاهی و خودشناسی هستند و در بسیاری از مواقع موجب اعتمادبه‌نفس کاذب در ما می‌شوند! اما دو مورد دیگر چیست؟ یکی تعریف خودآگاهی یا خودشناسی است. براساس مطالعات این تیم و جمع‌بندی هر آنچه تا پیش از این در کارهای دیگران بوده است، می‌گویند خودآگاهی دو وجه دارد؛ یکی وجه داخلی (درونی) و یکی وجه خارجی (بیرونی)؛ خودآگاهی درونی یعنی تا چه میزان ارزش‌ها، احساسات و آرزوهای ما برایمان روشن و شفاف بوده و با محیط اطرافمان، با عکس‌العمل‌ها (افکار، احساسات، رفتارها و قوت و ضعف‌های دیگران) یا اثراتش روی دیگران تناسب دارد! واقعیت آن است که مفهوم دشواری برای تعریف است؛ پس اگر بخواهیم جور دیگری آن را دریابیم، می‌گویند فردی که خودآگاهی درونی بالاتری دارد، معمولاً در ارتباطاتش با دیگران و محیط کار رضایت بیشتری داشته، کنترل فردی بیشتری روی خود دارد و در مجموع احساس خوشبختی بیشتری از زندگی می‌کند. این موارد در تضرع صریح با استرس، عصبانیت و افسردگی است. از سوی دیگر، خودآگاهی بیرونی یعنی تا چه میزان درک خوبی از آن‌گونه که دیگران ما را با همان شاخص‌های خودآگاهی درونی (شفافیت و تناسب ارزش‌ها، احساسات و آرزوها) می‌بینند، داریم؛ یعنی تا چه میزان تصویری که دیگران از ما دارند، برایمان شفاف است؟ می‌گویند کسانی که خودآگاهی بیرونی بالاتری دارند، بهتری می‌توانند دیگران را درک کرده و نقطه نظرات دیگران را متوجه شوند. در نتیجه تعاملات بهتری با دیگران داشته و در کل افراد مؤثرتری هستند. نکته جالبی که از این مطالعات حاصل شده، آن است که خودآگاهی و شناخت از خود باید هر دو وجه درونی و بیرونی را شامل شود و این دووجه رابطه معناداری با یکدیگر ندارند؛ یعنی ممکن است فردی خودآگاهی درونی بالایی داشته باشد، اما خودآگاهی بیرونی ضعیفی داشته باشد و در مجموع مشکلات نداشتن خودآگاهی کافی ایجاد می‌شود. پس ایجاد تعادل میان این دو وجه و پرداختن هم‌زمان روی هر دو از الزامات رشد خودآگاهی در ماست.

اما مورد آخر می‌گوید به جای آنکه از خود بیرسیم چرا من چنین هستم، از خود بیرسیم من چگونه آدمی هستم؟! یعنی چه؟ می‌گویند مطالعات نشان می‌دهد افرادی که صرفاً در خود فرومی‌روند و به چرایی رفتار یا شخصیت خود می‌پردازند، معمولاً به نتیجه مثبتی نرسیده و در بسیاری مواقع منجر به افسردگی نیز می‌شود. اما اگر به جای چرایی به دنبال تعریف چگونگی رفتار یا شخصیت خود باشیم، نتایج بسیار اثربخش‌تری به‌دست می‌آید. وقتی ما به دنبال چرایی می‌گردیم ممکن است توجیهات مختلفی برای رفتارمان بیابیم، اما وقتی به چگونگی رفتارمان فکر می‌کنیم راحت‌تر می‌توانیم بپذیریم که می‌شد مثلاً به جای دروغ گفتن حقیقت را گفت و نتیجه نهایی نیز بد نباشد.

خودآگاهی مسیری طولانی و شاید تمام‌نشدنی است. خیلی از ما آدم‌ها عمرمان تمام می‌شود و تا لحظه آخر هم به سطح خوبی از خودآگاهی نرسیده‌ایم! برای خودآگاهی درونی خودمان حداقل سالی یک‌بار شده ارزش‌ها و آرزوهایمان را مرور کنیم. برای خودآگاهی بیرونی خودمان، سالی یک‌بار شده از یک فرد منصف و قابل اعتماد بازخورد بگیریم و برای نقد خودمان و رشدمان به جای پرسیدن چرا، بیشتر از چگونگی بیرسیم. بیشتر به گونه‌های دیگر رفتار کردن، حرف‌زدن و عمل‌کردن فکر کنیم. اواخر سال است و معمولاً این روزها می‌تواند از بهترین فرصت‌ها و روزهای جهش در خودآگاهی و خودشناسی‌مان باشد. مطمئن باشیم که خودشناسی بیشتر، چه در زندگی فردی، چه حرفه‌ای و چه رشد و توسعه کشورمان، به‌شدت اثرگذار خواهد بود؛ ما به افرادی با سطح خودآگاهی بالاتر نیازمند نیستیم، بلکه محتاجیم!

• مشاور مدیریت استراتژیک

دور دنیا

بحث خرید خانه چارلز داروین، واضع نظریه زیستی تکامل در دوست‌ونهمین سالروز تولدش بالا گرفته است. جین مک‌کنزی نماینده شورای شهر شروزبری اهمیت این خانه را در حیات اجتماعی و اقتصادی مردم این شهر چنین مورد تأکید قرار داده است: «همه می‌دانند که چارلز داروین برای شروزبری در حکم شکسپیر برای استراتفورد است. من به آمریکا، آفریقا و نقاط دیگر جهان سفر کرده‌ام و دیده‌ام که همه در سراسر دنیا چارلز داروین را می‌شناسند، اما هیچ‌کس اسم شروزبری را هم نشنیده است. اگر ما بتوانیم این دو (شهر و داروین) را کنار هم بگذاریم، برای گردشگری بسیار عالی است و گردشگری می‌تواند مهم‌ترین صنعت ما بشود». وی خطاب به شهردار نوشته است: «این خانه واجد اهمیتی تاریخی است و لازم است ما با مالک خانه صحبت کنیم تا یا آن خانه را یکجا بفروشد یا به‌صورت لیزینگ در اختیارمان بگذارد».



دکتر مصطفی اقلیما*

چه کسی مسئول بروز آسیب‌ها در یک کشور است؟ پاسخ این است که قوانین و سیاست‌های یک جامعه، مسئول هر چیزی است که در جامعه اتفاق می‌افتد و دولت مسئول اجرای این قوانین و سیاست‌هاست. وقتی درباره اختلاس و حیف‌ومیل در بانک‌ها این‌همه اعتراض می‌شود، ولی دولت حاضر نیست دراین‌باره بحث یا اظهار نظر کند که چه کسی این سرقت‌ها را انجام داده و پول‌ها را برده است، واضح است که آسیب‌های اجتماعی روزبه‌روز در جامعه بیشتر می‌شود. در جامعه فقط یک مشکل نداریم و مسائل ما بسیار زیاد است. به علت فقر، بی‌کاری، تورم و اینکه قانون اجرا نمی‌شود و هرکسی هر قانونی را به دلخواه می‌توسد و اجرا می‌کند، خودبه‌خود و هر روز مشکل پدید می‌آید. متأسفانه هیچ مسئله‌ای پیگیری نشده است. اگر یکی

قصه‌های شهر

رؤیای حسنی

گیتی صفرزاده

هیچ‌کس با دیدن آن سبیل‌های بلند و فروافتاده و سفید فکر نمی‌کرد که با خالق حسنی تگو یک دسته گل روبه‌رو شده است. خودش می‌گفت: «کارشناسان ادبیات کودک از من انتقاد می‌کنند که این اثر فاخر و ادبیاتی و کودکانه ... نیست. اما واقعیت این بود که چند نسل از پدر و مادران ایرانی توانستند بچه‌هایشان را با حسنی بخوابانند، به حمام ببرند، آرام کنند و شعر و بازی یادشان بدهند». اما این همه هنر منوچهر احترامی نبود. او طنزنویس ارزشمندی بود. از قالب‌های کهن تا داستان و شعر و پژوهش در عرصه طنز را در کارنامه‌اش داشت. در باب هر موضوعی می‌توانست ده‌ها صفحه مطلب و مقاله بنویسد و تحویل بدهد و بگوید باز هم جای کار دارد. صدها کتاب داشت که حاشیه‌نویسی کرده بود تا سر موقع درباره‌شان بنویسد. می‌گفتند کلاغ، می‌گفت بله بله، اتفاقاً چیزهایی هم درباره کلاغ می‌دانم و چند روز بعد یک مقاله روی میزتان می‌گذاشت که از پدرجد کلاغ تا صور کلاغی در شعر فارسی را به زبان شیرین و پر از تمثیل و نشانه طنز شرح داده بود. بعضی می‌گفتند علتش این است که ایشان ازدواج نکرده و اولاد ندارد که درگیر گرفتاری اهل و عیال باشد، اما خدا مادران همه را حفظ کند. ایشان یک میزوالده داشت که همه فکر و ذکرش بود. نفس‌نفس‌زنان از راه می‌رسید، می‌گفتیم: خسته نباشید، کجا بودید؟ (آن‌موقع هنوز استاداستادگفتن مرسوم نشده بود!) می‌گفت: میزوالده هوس تخمه آفتاب‌گردان کرده بود، رفته بودم بازار تا نسوج مرغوبش را برایش بخرم. وقت رساندن مطلب می‌شد، اوراق در دست می‌آمد و می‌گفت: وقت نکردم پاک‌نویس کنم، ام‌روز میزوالده می‌خواست فوتبال نگاه کند رفته بودم آنتن تلویزیونش را میزان کنم.

خلاصه مطلب اینکه روزگار را با کتاب و نوشتن و میزوالده و درویش‌مسلمکی به‌خوبی و سرخوشی می‌گذراند، نه گلایه‌ای داشت نه بغض و غبنی، با همه اینها یک حسرت رؤیاگونه داشت که تا دم مرگ رهایش نکرد. در اوایل میان‌سال‌ی دچار عارضه قلبی شده و بعد از آن کشیدن سیگار را برای همیشه کنار گذاشته بود. همیشه می‌گفت بعد از این‌همه سال تنها خوابی که همیشه می‌بینم خواب سیگار است، خواب می‌بینم که دارم سیگار می‌کشم و با حسرت از خواب بیدار می‌شوم. این روزها یازدهمین سالگرد درگذشتش است. امیدوارم در آن جهان به رؤیایش رسیده باشد.

پیشخوان

روزنامه سازندگی آمد



طرحی از حسن روحانی در صفحه اول خود و تیتَر «پیاده‌شدگان قطار انقلاب سوار شوند»، منتشر شد که در واقع اشاره به سخنان رئیس‌جمهور در مراسم ۲۲ بهمن بود. غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، در نخستین شماره این روزنامه در ستون «سخن سازندگی» نوشته بود: «جمعی که از امروز این نشریه را ارائه می‌کنند، شالوده‌ای در بیش از ۲۰ سال قبل دارد که بر مبنای پیشبرد امر توسعه احساس نیاز کرد با افکار عمومی ارتباط داشته باشد و شهروندان را به مشارکت در اقتصاد، سیاست و فرهنگ فرا بخواند».

محمد قوچانی، سردبیر «سازندگی»، نیز در سرمقاله خود به تحلیل واکاوی تاریخ انقلاب پرداخته و آن را در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به سخنرانی رئیس‌جمهوری در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن پیوند زد. دومین شماره روزنامه «سازندگی» نیز با طرحی از چهره دیکتاتور مخلوع لبیسی، «معمر قذافی»، با عنوان «قاتل امام‌موسی صدر معرفی شد»، همراه با مقالاتی از علی پروین، موسوی‌خوئینی‌ها، جلال‌الدین فارسی و... منتشر شد. در سومین شماره این روزنامه نیز عکسی تمام‌صفحه از ابراهیم حاتمی‌کیا با تیتَر ابراهیم در آتش و گزارشی دیگر درباره پرونده سیدامامی منتشر شد. تولد روزنامه سازندگی را به همه همکارانمان در این روزنامه تبریک می‌گوییم و برای آنها آرزوی شاداکامی و تداوم انتشار داریم.

دفتر فروش

۰۶-۳۹۲۴۰۸۸۸

فروشگاه مرکزی

۰۸-۹۵۶۹۷۳۳۹

azadehco

ست‌های مدیریتی (۷۰ مدل)

سررسید (۲۰۰ مدل)

رومیزی در سایزهای مختلف

هدایای تبلیغاتی‌مدیریتی